کلهر شب‌فیروزه‌ای را نواخت؛

حال بازار موسیقی با اثر روزبه بمانی خوش شد

■ در هفته‌ای که از آبان ماه گذشت، تعدادی از خوانندگان و نوازندگان سنتی و پاپ از انتشار تازه‌ترین آثار خود خبر دادند. انتشار قطعه «حال خوش» روزبه بمانی و «شب فیروزه‌ای» کیهان کلهر از جمله مهم‌ترین اخبار بازار موسیقی بود.

گروه فرهنگ و هنر – تنور بازار موسیقی در سردترین روزهای پاییز ۱۴۰۰ روشن و داغ ماند و تعدادی از هنرمندان و خوانندگان قطعات از جدیدترین آثار خود به روی مخاطبان عرضه کردند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

حالش خوش روزبه بمانی به بازار آمد

در این روزها که کرونا و آلودگی هوا حال مان را بد کرده است، روزبه بمانی، خواننده پاپ و مطرح کشورمان قطعه ای با عنوان حال خوش منتشر کرد. ترانه این اثر را حسین غیاثی سروده و امید جامع آهنگسازی این اثر را بر عهده داشت.

سالار عقیلی با خانه تنهایی آمد

تازه‌ترین قطعات سالار عقیلی، خواننده موسیقی سنتی در قالب آلبومی با عنوان خانه تنهایی از سوی مرکز موسیقی حوزه هنری قرار است به‌زودی منتشر شود. سعیدفرجپوری و سالار عقیلی که در سال های اخیر همکاری های متعددی در قالب کنسرت یا تولید آلبوم داشتند، جدیدترین کار مشترک شان را به زودی از سوی مرکز موسیقی حوزه هنری منتشر خواهند کرد.

در این اثر، قطعاتی چون گریه پنهان در مایه شوشتری با شعری از شهریار، نگاه آشنا در دستگاه همایون با شعری از حافظ، ساز و آواز در مایه شوشتری با شعری از رهی معیری، حرف بزن، در گوشه بیداد با شعری از محمدعلی بهمنی، خانه تنهایی، در مایه افشاری با شعری از سایه، یار من، در مایه افشاری با شعری از مولانا در کنار تکنوازی کمانچه سعید فرجپوری به چشم می‌خورد.

کلهر شب فیروزه ای نیشابور را نواخت

تازه ترین اثر کیهان کلهر با نام همچون شب فیروزه‌ای نیشابور، با همکاری نوازندگان گروه راه ابریشم با هشت قطعه در سطح جهانی منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

کلهر در صفحه مجازی خود این آلبوم را ادای احترامی به نیشابور دانست که یکی از شهرها در مسیر راه ابریشم بوده است. مایکل لینگستون آهنگساز این آلبوم است و نوازندگانی که پیش از این با کیهان کلهر در پروژه جهانی راه ابریشم همکاری کردند نیز در این آلبوم به هنرنمایی پرداخته‌اند.

این آلبوم اکنون در پلتفرم‌های جهانی موسیقی در دسترس جهانیان قرار دارد.

مشکلات روزمره مردم، نماهنگ شد

مرکز موسیقی مأوا در هفته ای که گذشت، نماهنگ صبح قشنگ را با موضوع دشواری های روزمره زندگی و تلاش مردم برای کسب و کار حلال منتشر کرد. در بخشی از توضیحات این نماهنگ آمده است: بحران اقتصادی و تامین معیشت برای گذران زندگی سال‌هاست که به‌خاطر تحریم‌ها، نامهربانی‌ها و روزگاری که هر روز به بهانه‌های مختلف سخت‌تر می‌شود، گریبان مردم این دیار را گرفته است تا برای امرار معاش خود و خانواده به هر ریسمانی چنگ بزنند. در این میان، برخی افراد جامعه که ناخواسته اسیر ناملایمات زندگی شده‌اند، به‌اجبار باید در سنین کم بار سنگین مسوولیت مخارج خود و خانواده را به دوش بکشند و به‌جای تحصیل در شرایط عادی و مطلوب، در کوچه و خیابان پی یک لقمه نان بدوند.

انتشار آواهای وطنم، به زودی

سعید فرجپوری، نوازنده پر آوازه کمانچه طی چند روز گذشته در حساب کاربری اینستاگرام خود وعده انتشار آلبوم آواهای وطنم را داد و نوشت: کمانچه و ارکستر سازهای زهی با قطعاتی از سعید فرجپوری و تنظیم سپهر حجتی با همکاری نوازندگان سازهای کوبه ای، حسین رضایی نیا (دف) و حمید قنبری (تنبک و بندیر) در پلتفرم های شنیداری و تصویری منتشر خواهد شد.

وی همچنین ویدیویی از این اثر هنری را در حساب کاربری خود منتشر کرد.

نشد، آمد

در پایان نیز باید به انتشار جدیدترین قطعه از مهدی جهانی، خواننده موسیقی پاپ اشاره کنیم. این اثر نشد نام دارد و مهدی جهانی از انتشار این قطعه خبر داد و هم اکنون در دسترس علاقه مندان قرار دارد.

کلهر در صفحه مجازی خود این آلبوم را ادای احترامی به نیشابور دانست که یکی از شهرها در مسیر راه ابریشم بوده است. مایکل لینگستون آهنگساز این آلبوم است و نوازندگانی که پیش از این با کیهان کلهر در پروژه جهانی راه ابریشم همکاری کردند نیز در این آلبوم به هنرنمایی پرداخته اند.

لزوم زیباسازی فضای کتابخانه‌های عمومی

گروه فرهنگ و هنر – نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از لزوم توجه به زیباسازی فضای کتابخانه‌ها گفت.

غلامرضا منتظری نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در بیست و نهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اینکه کتاب باید متناسب با نیازهای جامعه منتشر شود و به نیازهای زمانه پاسخ دهد، اظهار کرد: کتاب‌ها باید با ادبیات مخاطب پسند نوشته شوند. هر اندازه از کشش و جاذبه بیشتری برخوردار باشند، مخاطب بیشتری از آنها استقبال می کند.

وی ادامه داد: باید منابع کتابخانه‌های عمومی خود را تقویت کنیم و فضای کتابخانه‌ها باید جزو زیباترین فضاهایی باشد که فرد رغبت کند، در آنجا بماند و به مطالعه اش ادامه دهد.

این درحالی است که علیرضا مختارپور دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، درباره مشکل نبود کتابخانه‌های عمومی در برخی شهرها و روستاهای کشور، بیان کرد: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تنها وظیفه بهره برداری را دارد و در زمینه ساخت کتابخانه جدید اقدام نمی‌کند. کتابخانه‌های عمومی از طریق بودجه‌های استانی که از طریق مجلس شورای اسلامی در اختیار استان‌ها قرار می گیرد و جذب کمک‌های خیرین در شهرهای فاقد کتابخانه ساخته می‌شوند.

وی ادامه داد: بودجه ساخت کتابخانه‌های عمومی کشور در بودجه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار نمی گیرد؛ بلکه بودجه لازم برای ساخت آن در بودجه استان‌هاست. در این میان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تنها به تجهیز و استخدام کتابدار برای کتابخانه‌های احداث شده می‌پردازد.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور اعلام کرد: تعداد شهرهای دارای کتابخانه عمومی از ۲۵۰ شهر در سال ۹۳، به ۱۲۵ شهر در سال ۱۴۰۰ رسیده است. امیدوار بودیم امسال کتابخانه عمومی در ۱۲۵ شهر باقی مانده ساخته شود؛ اما مسائلی از جمله شیوع کرونا، گرانی و تورم باعث شد این امر تحقق پیدا نکند.

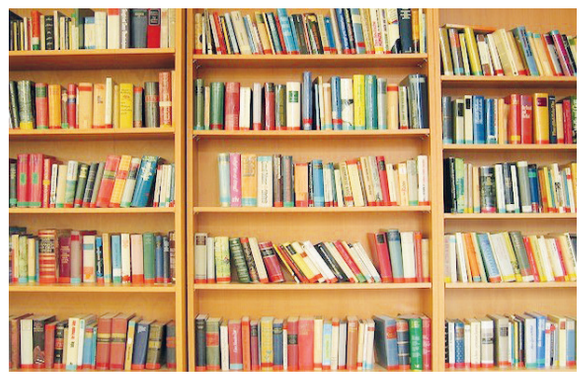

دولت آبادی، مدیرمسئول انتشارات نگارتابان هم با اشاره به اینکه قطعا زیباسازی در هر کاری جزو اولویت هاست، اظهار کرد: زیباسازی می تواند در هرجایی باشد. کتابخانه‌های عمومی هم از این امر مستثنی نیست. البته در کنار آن باید به مسائلی از جمله ساخت و تجهیز کتابخانه‌ها هم توجه کرد. در مواردی نیاز داریم در روستاهایمان کتابخانه احداث شود.

وی ادامه داد: در کنار توجه به زیباسازی کتابخانه‌ها باید به کتاب‌هایی که در قفسه کتابخانه‌ها قرار می گیرد هم توجه کرد و به این امر اهمیت داد که جزو آثار کتابسازی نباشند.

در این میان باید به محتوای کتاب‌ها هم اهمیت داد. به عبارت دیگر از جمله کتاب‌هایی نباشند که حتی یک‌بار هم مخاطب به آن نگاه نمی‌کند.

مدیرمسئول انتشارات نگارتابان ادامه داد: کتاب‌هایی که می‌تواند در کتابخانه‌های عمومی عرضه شود، باید برای تجهیز کتابخانه‌های عمومی انتخاب شود. این مسئله درباره تمام موضوعاتی که درباره آن اثر خلق می‌شود، صدق می‌کند.

دولت آبادی ابراز کرد: جای برخی کتاب‌های منتشر شده در بساط کتابفروشانی است که با تخفیف ۵۰ درصد کتاب را به مردم عرضه می‌کنند.

برخی از این کتاب‌ها در کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌های عمومی جایگاهی ندارند. ۹۰ درصد کتاب‌های بساطی‌های کنار خیابان در دهه‌های اخیر منتشرشدند و تنها ۱۰ درصد آن‌ها جزو آثار نویسندگانی مانند صادق هدایت است.

وی با اشاره به اینکه علاوه بر شهرها نیاز داریم در روستاها هم کتابخانه احداث شود، ادامه داد: در کتابخانه‌های عمومی برخی شهرها با کتاب به روزی مواجه نشدم. لازم است کتابخانه‌های عمومی را حفظ و تجهیز کنیم. گاهی ناشران برای تجهیز کتابخانه‌ها اقدام می‌کنند و آخرین بار کتاب هایشان را برای تجهیز کتابخانه‌های عمومی استان سیستان و بلوچستان ارسال کردند.

قطعه جدید شمس لنگرودی با شعر و صدای خودش

گروه سینما و تلویزیون– شمس لنگرودی قطعه جدیدی را با شعر و صدای خودش منتشر کرد.

این شاعر که به کار خوانندگی هم می‌پردازد در سال‌روز تولد ۷۱سالگی خود شعری را که به گیلکی و با لهجه لنگرودی گفته به آواز خوانده که در قالب یک کلیپ با تصاویری از طبیعت شمال کشور منتشر شده است.

شمس لنگرودی، شاعر، نویسنده، پژوهشگر ادبیات، بازیگر و خواننده، متولد ۲۶ آبان‌ماه سال ۱۳۲۹ در لنگرود است.

او نخستین دفتر شعرش، «رفتار تشنگی» را در سال ۱۳۵۵ منتشر کرد. نام شمس لنگرودی پس از انتشار مجموعه‌های «خاکستر و بانو» و «جشن ناپیدا» در سال ۱۳۶۰ مطرح شد و پس از چاپ «قصیده لبخند چاک‌چاک» به شهرت رسید. پس از حدود ۱۰ سال، در سال ۱۳۷۹، مجموعه شعر «نت‌هایی برای بلبل چوبی» را منتشر کرد. از دیگر دفترهای شعر او می‌توان به «آوازهای فرشته بی‌بال»، «می‌میرم به جرم آن‌که هنوز زنده بودم»، «رسم کردن دست‌های تو»، «توفانی پنهان‌شده در نسیم» و ... اشاره کرد. همچنین رمان «آن‌ها که به خانه من آمدند»، کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» در چهار جلد، «از جان گذشته به مقصود می‌رسد» (زندگی نیما یوشیج) و قصه «شبی که مریم گم شد» برای کودکان بخش دیگری از آثار ادبی او است.

شمس لنگرودی علاوه بر این تا کنون در فیلم‌های «دوباره زندگی»، «رفتن»، «احتمال باران اسیدی»، «پنج تا پنج»، «فلامینگو شماره ۱۳» و ... هم ایفای نقش کرده و ترانه‌هایی را نیز با آواز خوانده است.

معرفی کتاب

«بیگیل»

نویسنده: ماگدا سابو
مترجم: نصراله مرادیانی
نشر بیدگل

گروه فرهنگ و هنر – کتاب الکترونیکی «ابیگیل» نوشته ماگدا سابو با ترجمه نصراله مرادیانی در نشر بیدگل به چاپ رسیده است. «وال استریت ژورنال» درباره این رمان چنین نوشته بود: «داستانی پرمایه، با روایتی صمیمی که به شکل هوشمندانه‌ای معصومیت جوانی گرفتار در مهلکه را به تصویر می‌کشد. این رمان محبوب پرتره‌ای که سابو در تمامی آثارش از مجارستان به دست داده است را به اتمام می‌رساند.» روایت رمان چنین است که گینای چهارده‌ساله احساس می‌کند زندگی‌اش به پایان رسیده است. پدرش که ژنرالی بلندپایه است تصمیم گرفته تا او را از بوداپست دور کند و به مدرسه‌ای شبانه‌روزی بفرستد. برای گینا «آکادمی اسقف ماتولا» که یک مدرسه مذهبی مسیحی دخترانه است چیزی از زندان کم ندارد.

درباره کتاب:

«روایتی پرتنش و عمیق که تصویری استادانه از سادگی و خامی جوانی ترسیم می‌کند، سادگی‌ای که هر آن بیم از دست‌رفتنش می‌رود... سابوی تردست، در یک آن، زمان و تاریخ و حماقت بشری، همه را از چشمان معصوم کودکی بر ما آشکار می‌کند.» گینا ویتایی دختری چهارده‌ساله است، مادرش را از دست داده و با پدرش زندگی می‌کند، پدر و دختری که همدیگر را به معنای واقعی کلمه می‌پرستند. در این میان جنگ هم در جریان است و ما با ویتایی نوجوان که هنوز هیچ تصوری از عواقب این جنگ ندارد همراه هستیم. پدر او ژنرالی بلندمرتبه است که ناگهان تصمیم می‌گیرد گینا را به یک مدرسه شبانه‌روزی دینی در یک شهر دور بفرستد، مدرسه‌ای که مثل یک قلعه می‌ماند، با قوانینی سفت و سخت که تا پیش از این گینا هیچ تصوری از آن نداشت. ژنرال توضیحی به دخترش نمی‌دهد و او را بی‌خبری کامل قرار می‌دهد.

بخشی از کتاب:

گینا خیلی زیاد به پدرش رفته بود. بعد از ساعت‌ها خواهش و تمنا به یکباره ساکت‌ساکت شد. نه دیگر چیزی پرسید نه گله و شکایت کرد. جناب‌ژنرال، که او را به‌قدری خوب می‌شناخت که انگار مادرش باشد، فهمید که چه رنج و درماندگی توأم با نومیدیِ عمیقی پشت سکوت حساب‌شده‌اش پنهان است. وقتی، شبِ قبل از رفتنش، وسایلش را جمع کرد، نه قطره‌اشکی در میان بود و نه از گریه‌وزاری خبری بود. تعداد وسایلی که اجازه داشت با خودش به مدرسه جدید ببرد به‌قدری کم بود که جمع کردن وسایلش، حتی بدون کمک مارسل، خیلی طول نکشید. حالا معلوم شد که پدرش قبلا به شهر موردنظر سر زده بود و به او گفت که لباس و تجهیزات هر کدام از بچه‌ها را خود مدرسه می‌دهد. فقط کافی است لباس زیر و لباس خانگی‌اش را بردارد؛ به آنجا که برسد همه چیزهای دیگر را خودشان بهش می‌دهند. قبل از اینکه آخرسر درِ چمدانش را ببندد، نگاهش را آرام دورِ اتاق چرخاند، بعد عروسک محبوبش، سگ مخملی خال‌خالی را چپاند لای لباس‌خوابش توی چمدان. بعد، وقتی لحظه‌ای فکر کرد، دوباره آن را درآورد و گذاشت سر جایش. آن هم باید می‌ماند همان‌جا توی خانه. باید خودش را تمام‌وکمال با این جهان تازه ناآشنا وفق می‌داد. کتاب‌های درسی، کتاب‌های تمرین، همه‌چیز، بنابود به کل تازه باشد.

معرفی کتاب

«دیار اجدادی»

نویسنده: فرناندو آرامبورو
مترجم: علیرضا شفیعی‌نسب
انتشارات خوب

گروه فرهنگ و هنر – کتاب الکترونیکی «دیار اجدادی» نوشته فرناندو آرامبورو با ترجمه علیرضا شفیعی‌نسب در انتشارات خوب به چاپ رسیده است. کتاب «دیار اجدادی» نوشته‌ی « فرناندو آرامبورو» در قالب داستانی نفسگیر، به زندگی زیر سایه‌ی بیش از پنج دهه جنگ و خونریزی میان حکومت اسپانیا و اتا می‌پردازد. شاید پس از شنیدن یکی از مؤلفه‌های محوری این داستان، که فعالیت‌های تروریستی سازمان «اتا» است، ناخودآگاه در ذهنمان آن را با گزارش‌های خبری مقایسه کنیم. اما کاری که آرامبورو در این کتاب انجام می‌دهد زمین تا آسمان با اخبار و گزارش‌های فجایع و جنگ‌ها و حادثه‌های تروریستی تفاوت دارد.

در دیار اجدادی، با نُه شخصیت اصلی روبه‌روییم که تک‌تکشان، بیش از کاراکترهایی در دل داستان، به انسان‌هایی زنده و واقعی می‌مانند؛ انسان‌هایی با تمام ضعف‌ها و قوت‌ها، تردیدها و امیدها، آرزوها و ناکامی‌ها. در طول صفحات این رمان، عملاً با این شخصیت‌ها زندگی می‌کنیم و همین باعث می‌شود تا مدت‌ها پس از خواندن کتاب نیز آن‌ها را در یاد داشته باشیم.

درباره کتاب:

این داستان دو خانواده در شهری کوچک است که به واسطه خشونت گروه تروریستی اتا و ایدئولوژی های متضاد روبه‌روی یکدیگر قرار گرفته‌اند. بعد از آنکه پدر یکی از این دو خانواده توسط اتا کشته می شود و کاشف به عمل می آید که پسر خانواده دیگر نیز در این مأموریت حضور داشته، این دوستی عمیق که عمری پابرجا بوده، جای خود را به کینه ای خونین می دهد.

داستان به‌شکل خطی روایت نمی‌شود. بلکه هر کدام از فصلی که بدنه رمان را تشکیل می‌دهند همچون قطعات پازلی‌اند که رفته‌رفته در ذهن خواننده کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تصویری کامل می‌سازند. ماجراهای روایت‌شده در این فصل‌های کوتاه، بازه‌ای چنددهه‌ای را به تصویر می‌کشند، ولی خواننده با آغاز هر فصل خیلی زود می‌فهمد کجای این تصویر کلی و در چه مقطعی از زمان قرار دارد.

همچنین بعضی از فصل‌ها رویدادی مشترک را روایت می‌کنند، اما هر بار از زاویه دیدی جدید. همین تعدد زوایای دید به خواننده نشان می‌دهد که هریک از طرفین درگیری برای آنچه می‌کنند توجیهات و دلایل خود را دارند؛ دلایلی که نمی‌توان آن‌ها را در دسته‌های ساده و شسته‌رفته سیاه و سفید قرار داد.

بخشی از کتاب:

نره‌آ هنگام سوار شدن سرش را بالا آورد و نگاهی به پنجره انداخت، چون حدس می‌زد مادرش مثل همیشه ایستاده و از پشت پرده او را دید می‌زند. بله، با آنکه مادرش، بیتوری، را از خیابان نمی‌دید، اما می‌دانست حالا سرشار از ترحم و با ابروهای درهم‌کشیده به او خیره شده و پیش خود زمزمه می‌کند طفلک، نگاهش کن، ملعبه دست مردک خودخواه شده که هیچ‌وقت حتی لحظه‌ای به فکر خوشحال کردن کسی نبوده و نیست. یعنی نمی‌فهمد زنی که بعد از دوازده سال زندگی مشترک هنوز مجبور است برای شوهرش اغواگری کند، حتماً خیلی مستأصل است؟ همان بهتر که هرگز بچه‌دار نمی‌شوند.

قبل از سوار شدن دستی به خداحافظی تکان داد.

کیش نوش
تولید و توزیع آب معدنی در سراسر جزیره، تحویل در محل
۴۴۴۷۳۴۲۱-۴۴۴۷۳۴۲۲